

طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دوره سیادت (هفت سال اول) بر اساس تعالیم اسلامی

اصغر نیکومنش^۱

مهشید ایزدی^۲

حجت‌الله رفیعی شمس‌آبادی^۳

نجمه وکیلی^۴

چکیده

زمینه و هدف: اسلام تنها آئینی است که می‌تواند انسان را به کمال نهایی و سعادت کامل برساند. الگوسازی که در اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد روش خوبی برای تربیت انسان و رسیدن به این اهداف متعالی است. این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دوره سیادت بر اساس تعالیم اسلامی چگونه است؟ چه الگوهای تربیتی مناسب اعتقادی و اخلاقی برای کودک در هفت سال اول در اسلام وجود دارد؟

روش: آیات قرآن کریم، روایات و سیره معصومان(ع) و نیز کتب معتبر دینی به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده و آیات و احادیث مربوط به تربیت کودک که محقق توان علمی و موقعیتی دستیابی به آن را داشته است، به‌عنوان نمونه آماری شناسایی و بررسی شده است. داده‌ها با استفاده از برگه‌های فیش برداری جمع‌آوری شد و با روش کیفی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق نشان می‌دهد که مربیان و والدین لازم است در استفاده از روش‌های تربیتی اسلام برای تربیت کودکان در دوره سیادت (هفت سال اول) به مسئله الگوسازی با روش‌های متعددی که در قرآن و سیره معصومان(ع) وجود دارد از جمله تقلید از بزرگ‌ترها، سلام دادن، دعوت عملی، عمل کردن به وعده، ملاحظت با کودکان و اطاعت از دستورات الهی توجه ویژه نمایند.

واژه‌های کلیدی: تربیت، الگوسازی، کودک، قرآن و روایات.

۱. دانشجوی دکترا، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران Nicu22@iran.ir
۲. استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Drizadi.mahshid1452@gmail.com
۳. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، شهر قدس، ایران rafiei1367@gmail.com
۴. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران najmeh_vakili@yahoo.com

مقدمه

اسلام دینی است که ظرفیت رساندن انسان از خاک به افلاک را دارد. یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت کودکان روش الگویی است که در قرآن از کلمه «اسوه» و در نهج‌البلاغه گاهی از کلمه «تأسی» استفاده شده است. در این روش فرد از فرد یا افراد دیگر به‌عنوان سرمشق و الگو استفاده می‌کند. این روش تا آنجا اثرگذار است که خداوند برای تربیت انسان الگو ارائه می‌دهد. تربیت ابتدایی انسان به‌طور طبیعی با روش الگویی شکل می‌گیرد. کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه کارهایش را از افراد پیرامون خود که در درجه اول پدر و مادر او هستند، الگوبرداری می‌کند و با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش شکل می‌گیرد. سن متریان هر چه پایین‌تر باشد الگوبرداری برای آنها بیشتر می‌شود. در قرآن سه‌بار کلمه الگو یا همان اسوه در آیات ۲۱ احزاب، ۴ و ۶ ممتحنه مطرح شده است که پیامبر اکرم (ص) و حضرت ابراهیم (ع) را به‌عنوان الگو معرفی کرده است. پیامبر اکرم (ص) فرموده‌اند: «هر کس کودکی داشته باشد باید با او مانند خودش رفتار کند» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ۴۶۷۲۱). نکته بسیار مهمی در رفتار رسول خدا وجود داشت که دل‌ها را تسخیر می‌کرد و آن مهرورزی و محبت ایشان نسبت به کودکان بود. قرآن و معصومان (ع) همیشه الگوسازی را در جهت رشد و تعالی و الهی شدن انسان‌ها به‌کار گرفته‌اند. در الگوسازی یا الگوشدن باید دقت داشته باشیم زیرا اگر در خوبی‌ها الگو شویم موجب تعالی کودک می‌شویم و اگر در بدی‌ها الگو شویم، بچه‌ها همان‌ها را می‌گیرند و پیامدهای منفی آن برای ما نیز وجود خواهد داشت.

نظام تربیتی بشر در طول تاریخ دچار مشکلات فراوانی بوده است و هر چه زمان جلو آمده، با وجود گسترش مدارس و دانشگاه‌ها، مسئله تربیت رو به قهقرایافته است. متأسفانه تربیت انسان امروزه به دست افرادی است که خود هدایت‌یافته نیستند اما قصد هدایت انسان را دارند. «میشل فوکو^۱ معتقد است که حقیقت ثابت و جهانی وجود ندارد بلکه حقیقت از روابط قدرت شکل می‌گیرد» (فرمینی فراهانی، ۱۳۸۹: ۲۱۱) و همچنین «میشل فوکو و ژاک دریدا^۲ معتقدند که

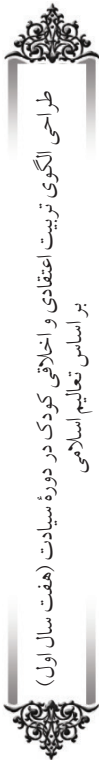
1. Michel Foucault
2. Jacques Derrida



هیچ هنجار جهان‌شمول اخلاقی و بنیادی وجود ندارد که بتواند بایدها و نبایدهای اخلاقی را مشخص کند» (همان: ۲۱۱) فوکو و دریدا از شخصیت‌های تأثیرگذار در نظام تربیتی جدید در غرب هستند. پیدایش و گسترش مکاتبی مانند کمونیسم، لیبرالیسم، فمینیسم و پست‌مدرنیسم که سعی در تربیت انسان به روش دلخواه خود دارند فاجعه بزرگی در سطح جهان را رقم زده است. «هنگ هانگراف^۱ می‌نویسد: فمینیست‌ها سعی کردند خدا را از صحنه خارج کنند و موفق هم شدند؛ اما نتیجه آن، مادران تنها، پدران فراری، افزایش بی‌رویه بیماری‌های مقاربتی، محرک‌های جنسی و سقط‌جنین شد» (پاسنو^۲، ۱۳۸۶: ۸۶).

گلوریا اشتاینم^۳ از چهره‌های معروف فمینیست و پست‌مدرن می‌گوید: «امیدوارم تا سال ۲۰۰۰ بتوانیم کودکانمان را به‌گونه‌ای تربیت کنیم که به جای خدا به نیروی بالقوه انسانی ایمان بیاورند» (شلیت^۴، ۱۳۹۰: ۲۲۶). «کارل اشنایدر^۵ معتقد است قانون خانواده در غرب، آن مبانی اخلاقی که روزگاری خانواده بر آن تکیه داشت را از بین برده است» (همان: ۲۷۲). بخش قابل توجهی از تربیت‌کنندگان قصد تربیت ندارند بلکه به دنبال ساختن انسانی هستند که یک شهروند مطیع و یک ابزار عالی برای نظام تولید در جهان سرمایه‌داری باشد. رسانه‌ها که عمدتاً در دست این گروه هستند، نقش اصلی در شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها را دارند. «تلویزیون نوعی مخدر برقی است. کودکان وقت بیشتری را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند تا صرف کلاس‌های درسی یا رابطه با والدین. تلویزیون خصوصیات ویژه و متمایزکننده خانواده‌ها را از بین می‌برد» (برناردز^۶، ۱۳۹۳: ۱۶۶). «نادیا خواجه^۷ می‌نویسد: رسانه‌ها مسئول تخریب خانواده‌ها هستند. سریال‌های تلویزیونی، الگوهای جایگزین برای خانواده ارائه می‌دهند و با نمایش سرپیچی از گفته‌های والدین و فریب بین اعضای خانواده، در فروپاشی این بنیان دخالت دارند» (جمعی از محققان،

1. Haneg Hanegraff
2. Passno
3. Gloria Steinem
4. Shalit
5. Karl Schneider
6. Bernardes
7. Nadia Khajeh



۱۳۸۹: ۱۶۲). آمارها نشانگر انحرافات و مشکلات عمیق در بین انسان‌هایی است که از تربیت الهی فاصله گرفته‌اند. «در ایرلند الکل و خودکشی در کودکان پسر بالاست. در فرانسه و فنلاند سوءاستفاده جنسی از کودک در محیط خانواده رخ می‌دهد. در هلند هرزه‌نگاری کودکان به شدت افزایش یافته و مصرف الکل و مواد مخدر بسیار گسترده شده است و رفتارهای پرخطر در میان نوجوانان گسترده‌تر شده است» (سیدل و گاردنر^۱، ۱۳۸۹: ۲۰-۵۵).

الگوگیری از ره‌یافتگان و صالحان می‌تواند پیامدهای مفیدی برای الگوگیرنده یا پیروی‌کننده داشته باشد؛ از جمله: آرامش می‌آورد، زیرا به الگوی خود مطمئن است. ضریب خطایش کم می‌شود. مورد امید و تلاش بیشتر در الگوگیرنده می‌شود. انجام دادن عمل برایش روشن و آسان می‌شود. با روحیه الگوگیری انسان منطبق است. هزینه ضرر و انحراف به حداقل می‌رسد. به درک و فهم بهتر منجر می‌شود.

روحیه الگوگیری در همه انسان‌ها مخصوصاً در بچه‌ها بسیار زیاد است. معمولاً الگو از افراد شاخص یا جالب گرفته می‌شود. حضرت علی(ع)، پیامبر و اهل بیت پیامبر را به‌عنوان الگو و بهترین الگو معرفی می‌فرماید؛ و به مردم سفارش می‌فرماید تا از افرادی الگو بگیرند که شایستگی دارند و الگوپذیری از آنها موجب هدایت و نجات از هلاکت است.

انسان خلق شده است تا رشد و تعالی یافته و به خدا برسد و برای رسیدن به این هدف لازم است که تربیت شود. دوران کودکی مناسب‌ترین زمان برای تربیت اوست؛ زیرا قلب او خالی و پاک و بسیار تأثیرپذیر و آماده دریافت تربیت است. امیر مؤمنان(ع) در توصیه‌ای به فرزندشان امام حسن(ع) می‌فرماید: «او به‌درستی که قلب کودک مانند زمین خالی است که هرچه در آن کاشته شود می‌پذیرد. لذا قبل از اینکه قلبت سخت و فکرت مشغول شود به ادب و تربیت کردن تو پرداختم» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) کودک آنچه را دریافت می‌کند مانند نقشی بر روی سنگ تا آخر عمر با او می‌ماند. پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «مثل کسی که در کودکی بیاموزد مانند حکاکی بر روی سنگ است» (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۳، ص ۲۹۴). در این دوره خانواده بهترین و مؤثرترین عامل تربیت کودک است. کودک از آنها الگو می‌گیرد. اگر آنها سهل‌انگاری نمایند،

1. Sidel & Gardner

کودک از رفتارهای نامناسب دیگران الگو می‌گیرد. سفارش‌های جناب لقمان به فرزندش نشانگر اهمیت تربیت در خانواده است: «فرزندم به خدا شرک نوز، بی‌تردید شرک ظلم بزرگی است» (لقمان، ۱۳) «فرزندم نماز را برپا دار و مردم را به کار پسندیده دعوت کن و از کار زشت بازدار و بر آنچه [از مشکلات و سختی‌ها] به تو می‌رسد صبر کن که اینها از اموری جدی است» (لقمان، ۱۷) «متکبرانه روی از مردم برمگردان و در زمین با ناز و غرور راه مرو، همانا خدا هیچ خودپسند فخر فروش را دوست ندارد» (لقمان، ۱۸). رفتارهای الهی والدین همراه با مهر و محبت و تشویق و ترغیب کودک می‌تواند بهترین الگو برای کودک باشد و او را به سوی رفتارهای الهی سوق دهد. بسیار واضح است که رفتارهای انسان در بزرگسالی همان‌هایی است که در کودکی شکل گرفته است. هدف این مقاله این است که الگوسازی و الگودهی در قرآن و سیره معصومان را بررسی نماید. برای رسیدن به این هدف به آیات و احادیث و کتب روایی معتبر مراجعه و آیات و روایات موردنظر بررسی و تحلیل شده است. حال این سؤال پیش می‌آید که طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دوره سیادت (هفت سال اول) بر اساس تعالیم اسلامی چگونه است؟

پیشینه تحقیق

سوهانی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «شیوه‌های تعمیق باورهای دینی در کودکان» به نتایج زیر دست یافته است: کودک ذاتاً خداگرا است. شخصیت اصلی انسان در دوره کودکی شکل می‌گیرد. والدین و مربیان باید در تربیت الهی کودکان بکوشند. عمق‌بخشی به آموزه‌های دینی کودکان، آنها را از آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی مصون می‌دارد. از روش‌های مؤثر در تربیت کودک می‌توان به این موارد اشاره نمود: تشویق، الگوآفرینی، محبت‌ورزی، ایجاد بصیرت و آگاهی نسبت به انجام کار، قصه‌گویی، تنبیه با رعایت تمام شرایط به‌عنوان آخرین راه‌حل. صفوی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان «تربیت دینی و اخلاقی کودک از دیدگاه امام رضا(ع)» به بررسی چگونگی تربیت دینی و اخلاقی کودک پرداخته است. او در این تحقیق به این نتایج رسیده است: اسلام برترین الگوهای زندگی موفق فردی و اجتماعی را به ما می‌شناساند. بهترین

سنین برای تربیت‌پذیری، سنین کودکی است. والدین مسلمان باید اهتمام بسیاری در رشد دینی و اخلاقی کودکان داشته باشند. روش‌های کاربردی تربیت فرزند مانند روش عادلانه، یعنی توجه به حق به‌عنوان میزان، برخورد متعادل با فرزندان؛ و روش عملی و نیز روش دوست‌یابی یعنی هم‌نشین کردن کودک با کودکانی که صالح هستند مفید است. همچنین برای رشد دینی و اخلاقی کودک، روش‌های آموزش نماز، قرآن، کمک به نیازمندان می‌تواند مؤثر باشد.

نصیری‌زاده و بیابانی بیدگلی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «جایگاه تربیت دینی (عقیدتی، اخلاقی، عبادی) کودکان در خانواده و راهکارهای وصول آن از دیدگاه اسلام» به نتایج زیر رسیدند: طبق آیات و روایات، والدین در مورد تربیت فرزندان مسئولیت مستقیم و جدی دارند. آنها باید زمینه شکوفایی فطرت الهی کودک را فراهم آورند و از گمراهی او جلوگیری کنند. آنها باید ضرورت و اهمیت تربیت دینی و ویژگی‌های کودک، همچنین روش‌های صحیح، کارآمد و مؤثر در تربیت دینی را شناخته و به‌کار گیرند. در بُعد اعتقادی، شناخت خدا، روش‌های شناخت، نشانه‌های خدا؛ در بُعد اخلاقی، آموزش فضایل و رذایل از طریق عادت دادن، پرهیز دادن متری از محیط‌های ناسالم، محبت و احسان؛ و در بُعد عبادی، آموزش انواع اعمال عبادی مانند نماز و روزه مهم است.

موسوی، نوری و رنجبر (۱۳۹۴) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی تربیت فرزند از نظر اسلام و روانشناسی» با روش تحلیلی، توصیفی به نتایج زیر رسیدند: دین اسلام تمام جنبه‌های تربیتی انسان از قبل از تولد تا مرگ را شامل می‌گردد و در دستورات دین در این زمینه اطلاعات خوبی وجود دارد. سعادت دنیا و آخرت در گرو شناخت و انجام آنهاست. علم روان‌شناسی نیز کمک شایانی برای شناخت این ابعاد نموده است.

خادمی و مهرولی (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی قصه‌گویی قرآن به‌عنوان روشی فعال در آموزش اخلاق» به نتایج زیر دست یافتند: قصص قرآنی به دنبال تربیت درونی انسان بوده و با توجه به موقعیت‌ها، شرایط، زندگی‌ها و شخصیت‌های متفاوت است. روایت‌گری، گفتگو بین شخصیت‌های قصه، پرسش و پاسخ، ایجاز، نقل فقط قسمت‌های ضروری و مفید قصه،

استفاده از قصه‌های بلند و کوتاه با توجه به اهمیت آنها، استدلال، تشویق و ترغیب به تفکر و یافتن نتیجه، نقل قصه انسان‌های خوب و بد و همچنین توجه به سرنوشت آنها از ویژگی‌های قصص قرآنی است.

کریمی دشتی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی» به نتایج زیر دست یافت: اسلام، استفاده از عامل تشویق در امر تربیت را مورد تأکید قرار داده است. معصومان برای تربیت کودکان از تشویق به صورت کلامی و معنوی استفاده می‌کردند. تشویق موجب امید و تحرک می‌گردد. توسل به خشونت و تنبیه در امر تعلیم و تربیت ناپسند است؛ زیرا موجب دل‌مردگی، ناامیدی، تنفر و گاهی لجبازی می‌شود. تشویق بر تنبیه ارجح است. با توجه به شرایط کودک و شرایط موجود می‌توان از تشویق به‌وفور و از تنبیه کمتر و در زمان لزوم و به‌عنوان آخرین راه استفاده کرد.

روش پژوهش

آیات قرآن کریم، روایات و سیره معصومان(ع) و نیز کتب معتبر دینی به‌عنوان جامعه آماری در نظر گرفته شده و آیات و احادیث مربوط به تربیت کودک که محقق توان علمی و موقعیتی دستیابی به آن را داشته است، به‌عنوان نمونه آماری شناسایی و بررسی شده است. داده‌ها با استفاده از برگه‌های فیش‌برداری جمع‌آوری شد و با روش کیفی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت.

مبانی نظری

الگو: لغت الگو یعنی «سرمشق، مقتدی، اسوه، قدوه، مثال، نمونه» (لغت‌نامه دهخدا) و «نمونه، طرح» (فرهنگ معین) و «سرمشق، نمونه» (فرهنگ فارسی عمید). کلمه الگو در قرآن با کلمه اسوه آمده است. «اسوه از ریشه اسو و اسا به معنی مداوا، اصلاح» (ابن منظور، ۱۳۷۴: ۱۶۷۱-۱۶۷۲). «اسوه حالت و روشی است که شایسته پیروی است» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۷۶۱). علامه طباطبایی در ذیل آیه ۲۱ احزاب می‌نویسد: «اسوه به معنای اقتدا و پیروی کردن است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۴۳۲/۱۶). «اسوه در اصل به معنی آن حالتی است که انسان به هنگام پیروی کردن از دیگری به خود می‌گیرد و به تعبیری دیگر همان تأسی کردن و اقتدا نمودن است»

(مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴۲/۱۷-۲۴۳) «الگو طرح و نمونه‌ای است که از آن الهام گرفته و پیروی می‌شود. یا نسخه‌ای از آن برداشت می‌شود» (روشه، ۱۳۷۹: ۴۴).

کودک: کودک یعنی کوچک، صغیر و خرد (فرهنگ معین) کودک یعنی کوچک، صغیر، طفل، بچه و مقابل بزرگ (لغت‌نامه دهخدا). حضرت علی(ع) فرمود: «کودک هفت سال آزاد است و هفت سال مورد ادب و توجه و هفت سال دیگر مورد خدمت و یاور است» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۰۴/۶۵) امام صادق(ع): «کودک هفت سال بازی می‌کند و هفت سال خواندن و نوشتن می‌آموزد و هفت سال (مقررات زندگی) حلال و حرام را یاد می‌گیرد» (کلینی، ۱۳۷۵: ۶۷-۶۷). از این احادیث به دست می‌آید که حدوداً تا زمان بلوغ جسمی و سن تکلیف، دوران کودکی است.

تربیت اعتقادی: تربیت اعتقادی یکی از عرصه‌های مهم و بنیادین تربیت دینی به‌شمار می‌آید و دارای سه هدف عمده است: پرورش شناخت، پرورش پذیرش قلبی و پرورش محبت قلبی. تربیت اعتقادی مهم‌ترین رکن تربیت دینی است؛ زیرا تدین بدون اعتقاد به عقاید بنیادین دینی معنایی نخواهد داشت (داودی، ۱۳۸۸: ۴۷/۱۰-۶۱). تربیت اعتقادی روشی است برای تربیت اسلامی که بر تربیت عقلانی و استدلالی تأکید دارد و به‌گونه‌ای روش‌های خالی از استدلال را محکوم می‌کند (باقری، ۱۳۸۴: ۴۳/۲).

تربیت اخلاقی: ابن مسکویه می‌گوید: تربیت اخلاقی چیزی است که انسان در پرتو آن از رذایل و صفات نکوهیده می‌رهد و به فضایل و خصلت‌های ستوده آراسته می‌گردد. فضایل با تکرار اعمال شایسته به‌تدریج در نفس رسوخ می‌یابد و افعال نیکو از فرد سر می‌زند و او از انحطاط و پستی رها می‌کند و به‌سوی تعالی می‌برد (بهشتی، ۱۳۹۵: ۴۵/۲). برخی تربیت اخلاقی را ارتقای فهم و درک و داوری کودکان در زمینه اخلاق دانسته‌اند تا بتوانند بهتر رفتار اخلاقی از خود بروز دهند (حسنی و چناری، ۱۳۹۴: ۱۲۷/۱). برانگیختن، فراهم ساختن و به‌کار بستن سازوکارهای آموزشی و پرورشی در جهت دریافت گزاره‌های اخلاقی و شناختن

و شناساندن فضایل و رذایل و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به اخلاق حسنه و تقید و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و عینیت دادن به ارزش‌های اخلاقی به‌منظور رسیدن به سعادت و کمال جاودانه، تربیت اخلاقی نام دارد. بر این اساس، در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود با بهره‌گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته‌های تربیت، اهداف اخلاقی عینیت یابند (بهشتی، ۱۳۸۱: ۱۸/۱۰-۲۰). اندیشمندانی مانند ابن‌سینا، ابن‌مسکویه و خواجه نصیر معتقدند اگر کودک در دوره نخستین کودکی به حال خود رها شود و تربیت نشود، به همان حالت طبیعی خود در کودکی رشد می‌کند، به آنچه با طبع او سازگارتر است، از غضب و لذت و شهوت‌طلبی و دیگر خلیقات ناشایست رو خواهد آورد؛ از این‌رو تربیت اخلاقی در دوران کودکی اهمیتی ویژه دارد. آنها از واژه تأدیب به‌معنای آموزش رفتارهای اخلاقی و ایجاد توانایی رفتار اخلاقی برای تربیت اخلاقی کودک در آثار خود استفاده کرده‌اند (موحدی پارسا، ۱۳۹۸: ۷/۲۸-۲۸).

روش تربیتی الگوسازی

یکی از شیوه‌های مؤثر در تربیت کودکان و نوجوانان روش الگویی است. معمولاً روش الگویی با روش نمایشی و قصه ارتباط زیادی دارد؛ زیرا مربی با دیدن یا شنیدن یک موضوع و جریان می‌تواند از آن الگو بگیرد. سن متریان هرچقدر پایین‌تر باشد امکان الگوبرداری برای آنها بیشتر می‌شود. خداوند در قرآن کریم آمده است: «قطعاً در رسول خدا برای شما بهترین اسوه و سرمشق وجود دارد» (احزاب، ۲۱). این آیه پیامبر را به‌عنوان الگو و اسوه معرفی کرده است. الگو بودن پیامبر منحصر به یک بُعد یا یک رفتار نیست بلکه کلی است و تمام ابعاد وجودی و زندگی پیامبر را شامل می‌شود. باورها و اعتقادات، رفتارهای فردی، خانوادگی، اجتماعی و عبادی ایشان قابل الگوشدن و الگوبرداری است. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هر کس کودکی داشته باشد باید با او مانند خودش رفتار کند» (حر عاملی، ۱۴۱۶ق: ۴۸۶۲۱).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «یکی از حقوق فرزندان بر والدین این است که کتاب الهی را بر آنان بیاموزند» (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۹/۶) از این آیات نتیجه می‌گیریم که در زمان الگوسازی برای بچه‌ها باید به برترین‌ها استناد نمود و آنها را الگو کرد و اگر مربی یا والدین قرار است خودشان الگو

شوند باید به ویژگی های پیامبران آراسته شوند تا مرتبی و الگوگیرنده دچار انحراف و گمراهی نشود. در قرآن آمده است: «هرکسی وساطت کند که کار پسندیده ای انجام شود، بهره ای از آن برای او خواهد بود؛ و هر کس وساطت کند تا کار ناپسندی انجام شود، سهمی از آن برایش خواهد بود؛ و خداوند همیشه نگهبان همه چیز است» (نسا، ۸۵).

این آیه می تواند این پیام را داشته باشد که در الگوسازی یا الگوشدن باید دقت داشته باشیم؛ زیرا اگر در بدی ها الگو شویم، یا الگو بسازیم بچه ها همان ها را می گیرند و پیام های منفی آن برای ما نیز وجود خواهد داشت. در بخش های مختلفی از قرآن از این کار نهی شده است. حضرت علی (ع) بارها اقتدا کردن و الگو گرفتن از پیامبر را سفارش فرموده و علل آن را با استدلال و وصف اخلاق و رفتار پیامبر توضیح داده است. «به خاندان پیامبرتان بنگرید و بدان سو که می روند بروید و پی آنان را بگیرید که هرگز شما را از راه رستگاری بیرون نخواهند کرد و به هلاکتتان باز نخواهند آورد. اگر ایستادند بایستید و اگر برخاستند، برخیزید. بر آنها پیشی مگیرید که گمراه می شوید و از آنان پس نمانید که تباه می گردید» (نهج البلاغه، خطبه ۹۷) و باز فرموده است: «پس به پیامبری که پاک و پاکیزه بود اقتدا کن؛ زیرا که در او سرمشق خوبی برای سرمشق طلبان است؛ و مایه فخر و بزرگی برای کسانی که خواهان بزرگواری هستند است؛ و محبوب ترین بنده نزد خدا کسی است که از پیامبرش پیروی کند» (همان، خطبه ۱۶۰) و نیز می فرماید: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اکرم (ص) را اطاعت نمایی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن باشد» (همان) از این دو فرمایش امیرالمؤمنین (ع) حداقل دو پیام دریافت می شود که عبارت اند از:

الف) الگوسازی، الگودهی و الگوگیری یک اصل خوب و مفید است که باید در زندگی مدنظر باشد.

ب) الگو باید صالح و حرکتش به سوی خدا باشد تا الگوگیرنده در پی او روان شود و به خالق هستی برسد.

پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «پنج چیز است که تا زنده ام رهایشان نمی کنم... و یکی دیگر



سلام کردن به کودکان است تا بعد از من سنت شود» (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق: ۲/۲۱۷) یعنی خود او الگویی می‌شود تا دیگران از او تقلید کنند. علی(ع) اهمیت دادن پیامبر به نماز را این‌گونه وصف می‌فرماید: حضرت علی(ع): «پیامبر اکرم(ص) چیزی مثل شام و غیر آن را بر نماز مقدم نمی‌داشتند و هنگامی که وقت نماز می‌رسید، گویی که هیچ‌یک از اهل خانه و دوستان را نمی‌شناختند» (ورام، ۱۳۶۹: ۷۸/۱). همچنین بر اساس برخی روایات، حسنین(ع) در هنگام نماز خواندن پیامبر(ص) در کنار او می‌ایستادند و در انجام اعمال نماز به پدربزرگ خود تأسی می‌جستند. آن حضرت نیز پس از نماز، آنان را نوازش می‌کرد و بر پای خود می‌نشاند و به‌نوعی مشوق آنان در ادای نماز بود (مجلسی، ۱۳۶۳: ۳۰۵/۱۰) وقتی شخص پیامبر با مسئله نماز این‌طور برخورد می‌کند، مسلمانان نیز با الگوگیری از آن بزرگوار به نماز اهمیت می‌دهند.

حضرت علی(ع) درباره الگوگیری و تقلید از پیامبر می‌فرماید: «شما قرابت مرا با پیامبر و منزلت مخصوصی که نزد آن حضرت داشتم را به‌خوبی می‌دانید. کودکی خردسال بودم که رسول خدا(ص) مرا بر دامان خود می‌نشاند. در آغوشم می‌گرفت. به سینه خود می‌چسباند. گاه مرا در بستر خود می‌خوابانید؛ و از روی محبت و دوستی، صورتش را بر صورت من می‌سایید و مرا به استشمام بوی لطیف خود وامی‌داشت. برای من هرروز از سجایای پسندیده خود پرچمی می‌افراشت و امر می‌فرمود: عملاً از اخلاق آن حضرت پیروی کنم» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲). حضرت امیر(ع) در دوران کودکی از ایشان الگو گرفته و از رفتار آن حضرت را تقلید نموده است. یکی از بهترین راه‌های الگوگیری هم‌نشینی است. هم‌نشینی با دیگران موجب الگوگیری از آنان می‌شود. امام سجاد(ع) می‌فرماید: «هم‌نشینی با افراد صالح، آدمی را به‌سوی صلاحیت دعوت می‌کند» (کلینی، ۱۳۷۵: ۲۰/۱) نقل است که لقمان حکیم به فرزندش گفت: «فرزندم با دانشمندان دوستی کن! و به آنها نزدیک باش! و هم‌نشینی کن! و به زیارت آنها در خانه‌هایشان برو؛ باشد که شبیه آنها شوی، و با آنها (در دنیا و آخرت) باشی» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۸۹/۷۱). در روایات از قول ائمه سفارش بسیار شده است که افراد به مجالس اهل بیت زیاد بروند؛ زیرا موجب آشنایی با آنها و الگوگیری از آنها می‌شود. بچه‌ها زیبایی‌ها و رفتارهای رحیمانه را دوست دارند. اگر با

زیبایی‌های حضرت علی (ع) روبه‌رو شوند به راحتی الگو می‌گیرند و اگر مربیان و والدین از آن حضرت الگو بگیرند، بچه‌ها نیز از اینها الگو خواهند گرفت؛ یعنی رفتارهای آن حضرت توسط تکرار والدین یا مربیان، برای بچه‌ها الگوسازی می‌شود.

دو نکته مهم که مجدداً قابل ذکر است این است که آن حضرت هم بر اهمیت اصل الگو پافشاری دارد و هم بر کیفیت الگو اصرار دارد؛ یعنی هر کسی لایق الگوشدن نیست. در بحث الگوشدن یا الگوسازی برای بچه‌ها، کیفیت الگو بسیار مهم است. ایشان فرموده است: «پیروی‌کننده باید از پیامبر پیروی کند و به دنبال او راه رود و قدم جای قدم او گذارد و گرنه از هلاکت ایمن نیست» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۱).

یافته‌ها و پاسخ به سؤالات تحقیق

سؤال اصلی: طراحی الگوی تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در دورهٔ سیادت بر اساس تعالیم اسلامی چگونه است؟

در اسلام به تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک اهمیت فراوان داده شده است. به همین دلیل الگوسازی یکی از مسائل بسیار مهم است. وجود قصه‌ها و شخصیت‌ها در قرآن نشان از این امر دارد. در بحث ارائهٔ الگوهای تربیتی مناسب اعتقادی و اخلاقی نیز در دورهٔ هفت سالهٔ اول به شش روش تربیتی اشاره شده است که در قالب جواب به سؤال فرعی تشریح شده است.

سؤال فرعی: چه الگوهای تربیتی مناسب اعتقادی و اخلاقی برای کودک در هفت سال اول در اسلام وجود دارد؟

برای یافتن جواب این سؤال به منابع معتبری مانند قرآن، نهج البلاغه و کتب روایی مراجعه گردید و این نتیجه به دست آمد که الگوهای تربیتی زیادی برای تربیت اعتقادی و اخلاقی کودکان در هفت سال اول وجود دارد. از بین الگوهای موجود، شش الگو یا روش الگویی استخراج و تجزیه و تحلیل شد که عبارت‌اند از تقلید از بزرگ‌ترها، سلام دادن، دعوت عملی، عمل کردن به وعده، ملاحظت با کودکان و اطاعت از دستورات الهی که در سطور بعدی به آنها اشاره می‌شود.

نکته مهمی که در قرآن برای الگوسازی و الگوگیری مشاهده می‌شود این است که افرادی باید الگو شوند که خود راه‌یافته هستند و اطاعت و پیروی از آنان موجب هدایت انسان می‌شود. نتیجه اینکه والدین و مربیان باید و باید زندگی پیامبران الهی و معصومان (ع) مخصوصاً ارتباط و رفتار آنها با کودکان را و نیز زندگی اولیاءالله را در زندگی خود الگو قرار دهند و عمل کنند و نیز به زبان کودکان و شیرین، برای کودکان تشریح نمایند تا کودکان با دیدن آن رفتارها، با شوق و رغبت به سوی الگوگیری از آنها بروند.

الف) تقلید از بزرگ‌ترها: تقلید یکی از روش‌های الگویی است. کودکان از رفتارهای بزرگان تقلید می‌کنند و دوست دارند حرکات آنها را مانند خود آنها انجام دهند. زیاد دیده می‌شود که کودکان در زمان نماز خواندن والدین در کنار آنها می‌ایستند و حرکات آنها را تقلید می‌کنند. در مورد حسنین (ع) نیز آورده‌اند که در کنار پیامبر همین کار را می‌کردند و سپس مورد نوازش پیامبر قرار می‌گرفتند.

برای اینکه کودکان تقلید کنند باید مقدماتی فراهم شود و با تقلید صحیح آشنا شوند. این روش‌ها پیشنهاد می‌شوند. بزرگ‌ترها می‌توانند در نزد کودکان در کنار سفره مؤدب نشسته و با صدای بلند بسم‌الله الرحمن الرحیم بگویند و دعای سفره بخوانند؛ و حتی به کودک بگویند: «باهم دعای سفره را بخوانیم» بعد از خوردن غذا، شکر خدا را به جا آوردند و از مادر تشکر کنند. زمان انجام بعضی از کارها مانند نماز با ترغیب و تشویق توجه آنها را جلب نموده و در کنار خود قرار دهند. هرگاه کودکان رفتارهای خوب بزرگ‌ترها را تقلید و تکرار کردند باید مورد تشویق قرار گیرند و از آنها تشکر شود.

ب) سلام دادن: در جریان الگوسازی والدین باید رفتارهای خوب را نسبت به کودکان انجام دهند و اگر کودکان آن را انجام دادند مورد تشویق قرار گیرند. یکی از این رفتارهای خوب سلام دادن است. پیامبر اکرم (ص) بارها به کودکان سلام می‌دادند. امام رضا (ع) از پدران خود نقل می‌کند که پیامبر (ص) فرمودند: «پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد... و یکی از آنها سلام دادن به کودکان است. تا این کار بعد از من سنتی برای دیگران باشد» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲/۲۱۷).

درواقع پیامبر با سلام دادن به کودکان در حال الگوسازی برای آنان است. روش‌های بسیاری وجود دارد که پیشنهاد می‌شود در این راستا باید بزرگان ابتدا به کودکان سلام داده و گاهی بگویند که خدا سلام‌دهندگان را دوست دارد. نزد کودکان به یکدیگر سلام دهند. پدر و مادر نزد کودک در سلام دادن سبقت بگیرند. وقتی کودک سلام داد، با او با محبت و تشویق برخورد کنند.

ج) دعوت عملی: یکی از شیوه‌های الگوسازی استفاده از عمل به جای زبان است. حضرت امام صادق (ع) فرمودند: «مردم را به غیر زبانتان به دین دعوت کنید تا سعی، کوشش، درستی، پرهیزگاری و خویشتن‌داری را در شما مشاهده کنند» (مجلسی، ۱۳۶۳: ۱۹۸/۵). وقتی کودکان رفتاری را در بزرگسالان مشاهده کنند به همان شکل یاد می‌گیرند و انجام می‌دهند.

چند روش خوب این‌گونه پیشنهاد می‌شود. پدر باید جلو چشم کودک در شستن ظروف به مادر کمک کند. در انداختن و جمع کردن سفره کمک کند. اگر می‌خواهد فرزندش نماز اول وقت بخواند، باید در برابر چشمان کودک خودش هر کاری دارد رها نموده و نماز اول وقت بخواند و بعد با صدای بلند بگوید: «خدایا ممنونم که توفیق دادی نماز اول وقت بخوانم». والدین باید لباس‌هایشان را منظم در جای خودش بگذارند. در تمام امور نظافت را رعایت کنند. مطالعه کردن، صدقه دادن، عبادت کردن را در برابر نگاه کودک انجام دهند.

د) عمل کردن به وعده‌ها: وقتی بزرگ‌ترها به کودکان وعده کاری یا چیزی را می‌دهند، کودکان بی‌چون‌وچرا آن را باور می‌کنند. اگر خلف وعده صورت بگیرد کودکان علاوه بر بی‌اعتماد شدن نسبت به بزرگ‌ترها از آنها خلف وعده و دروغ‌گویی را یاد می‌گیرند. حضرت رسول اکرم (ص) فرمودند: «کودکان را دوست بدارید و به آنها مهر بورزید و اگر به آنها وعده‌ای دادید به وعده خود وفا کنید» (کلینی، ۱۳۷۵: ۴۹/۶). اگر می‌خواهیم فرزندانمان راست‌گو باشند خیلی از اوقات نیاز به فشار آوردن نیست بلکه فقط کافی است به سفارش رسول اکرم عمل کنیم و در وعده‌ها راست‌گو باشیم.

از جمله روش‌های پیشنهادی این است که بزرگ‌ترها باید عامدانه بعضی قول‌ها را به کودک

داده و به موقع عمل کنند. به کودک وعده تفریح در پارک را بدهند و به آن عمل کنند. هدایایی را به صورت مشروط وعده بدهند و بعد از اینکه کودک به آن شرط عمل کرد بلافاصله بزرگ‌ترها هدایا را طبق وعده تهیه و در اختیار کودک بگذارند. وعده‌های کوچک و عملی و کوتاه‌مدت بدهند.

ه) ملاطفت با کودک: لطف کردن به کودکان در زبان یا عمل، برای آنان بسیار جذاب و شیرین است. کودکان اگر همیشه با اظهار لطف بزرگ‌ترها مواجه شوند و رشد یابند، خودشان نیز دارای روح لطیف و مهربان خواهند شد. این لطافت روحی بسیاری از اوقات به صورت ناخودآگاه به وجود می‌آید. نقل است که ابوسعید گفته است: «روزی کودکی نزد پیامبر آمد و درحالی که آن حضرت در سجده بود بی‌درنگ بر پشت آن حضرت نشست. آن حضرت از روی مهر و ملاطفت او را نگه داشت و به همان حالت برخاست؛ و هنوز کودک بر پشت پیامبر بود. سپس به رکوع رفت و پس از آن کودک را رها کرد و طفل از آنجا رفت» (ابن ابی الدنيا، ۱۴۱۰ق: ۱/۳۸۰). این رفتار پیامبر به ما می‌آموزد که با کودکان ملاطفت به خرج دهیم تا آنها نیز از ما ملاطفت یاد بگیرند.

پیشنهاد می‌شود که بزرگ‌ترها با این روش‌ها ملاطفت نموده و کودکان را اهل ملاطفت نمایند. کودکان را در آغوش گرفته و ببوسند و دست نوازش بر سر آنها بکشند. وقتی با خطای کودک مواجه می‌شوند با لطف و محبت آن خطا را اصلاح نمایند. گاهی اوقات در مقابل کارهای خوب کودک، به او هدایایی بدهند. از کودک خواسته شود تا والدین را ببوسد.

و) اطاعت از دستورات الهی: کودکان اطاعت یا تمرد و سرپیچی و حتی سرکشی را از بزرگ‌ترها یاد می‌گیرند. اگر والدین نسبت به دستورات الهی و معصومان (ع) همواره مطیع برخورد کنند؛ روح اطاعت و تسلیم در کودک تقویت می‌شود. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر را اطاعت کنی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها و عیب‌های دنیا و رسوایی‌ها و زشتی‌های آن باشد» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۰). مطیع کردن فرزندان با زور امکان‌پذیر نیست. شاید گاهی اوقات با زور بتوان سرکشی را متوقف

کرد اما اطاعت کردن بهتر است الگوسازی شود.

پیشنهاد می‌شود که با این روش‌ها الگوسازی شود: دست‌اندرکاران تربیت خود از دستورات معصومان(ع) و از بزرگان اطاعت کنند. نتیجه اطاعت یا سرکشی در قالب قصه، فیلم، پویانمایی و یا کتاب به کودک ارائه شود. فواید و مضرات اطاعت یا عدم اطاعت تعریف و تشریح شود. افرادی را که در اثر اطاعت یا عدم اطاعت به نتایجی رسیده‌اند، به کودک معرفی نمایند و نشان دهند و در صورت لزوم با آنها هم‌صحبتی ایجاد شود. شرایطی را ایجاد کنند تا کودک با نتایج اطاعت یا عدم اطاعت مواجه شود و خود آن را به عینه ببیند. از کودک خواسته شود تا از معصومان(ع) اطاعت نماید.

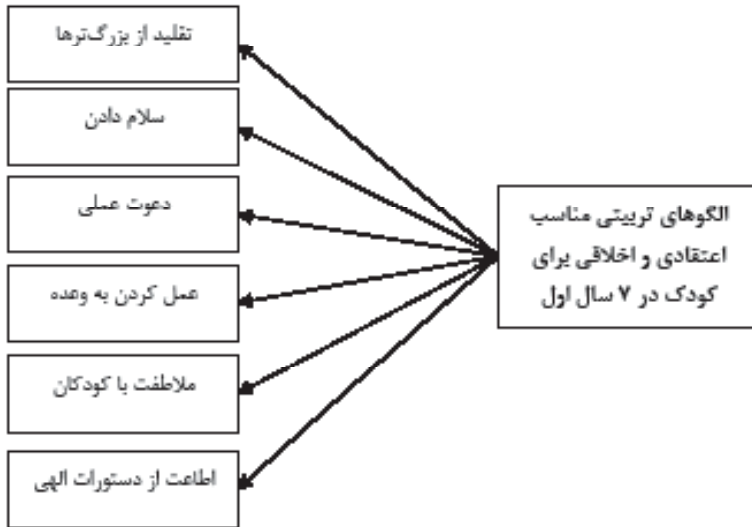
نتیجه‌گیری

در پاسخ به این سؤال که نگاه قرآن و روایات در مورد الگوهای تربیت اعتقادی و اخلاقی کودک در هفت سال اول چیست؛ به جستجو در قرآن و سیره و روایات ائمه اطهار(ع) پرداخته شد. آیات و احادیثی به دست آمد که اهمیت تربیت انسان در دوره کودکی را به ما گوشزد می‌کند. اهمیت زیادی که ائمه اطهار(ع) به این دوره از زندگی داده و تربیت در این دوره را ماندگار می‌دانند و نیز تأکید فراوان بر آن دارند، ما را مجاب می‌کند که به این دوره اهمیت فراوان بدهیم و تربیت اعتقادی و اخلاقی را از این دوره شروع کنیم. والدین و مربیان و متصدیان امر تربیت باید با استفاده از الگوهایی که در قرآن و سیره ائمه اطهار(ع) مشاهده می‌شود و نیز با الگو کردن معصومان(ع) به تربیت اعتقادی و اخلاقی کودکان پردازند و این الگوها را نیز مناسب با سن و روحیات و وضعیت کودک ارائه دهند. تربیت‌کنندگان می‌توانند آیات و احادیث مربوط به شخصیت‌ها و قصه‌های قرآنی را جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل نمایند و از دستاوردهای علم روان‌شناسی نیز کمک بگیرند و آنها را در کنار هم قرار دهند و در تربیت کودک به کار برند.

در قرآن و روایات مشاهده می‌شود که از شیوه الگوسازی و الگودهی استفاده شده است و گاهی از اوقات معصومان(ع) خود برای کودکان الگو می‌شدند. از بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که استفاده از الگو شرایطی دارد که باید در زمان کاربرد آن، مدنظر قرار گیرد.

دست‌اندرکاران تربیت افزون بر شروع تربیت از دوران کودکی، باید روی مسئله‌الگو متمرکز شوند و نحوه استفاده از آن را از ائمه اطهار(ع) و قرآن فراگیرند. الگو در تمام ابعاد اخلاقی، رفتاری، فردی، اجتماعی و رشد عقلی و فکری کودک می‌تواند به‌کار رود. نکته مهمی که در جریان الگوسازی و الگودهی در سیره ائمه اطهار(ع) مشاهده می‌شود این است که ضمن در نظر گرفتن طبع کودک، همیشه این امر در جهت رشد و تعالی و الهی کردن اخلاق، رفتار، فکر و عقلانیت کودکان به‌کار رفته است که مجریان تربیت باید الزاماً به این مطلب عنایت خاصی داشته باشند تا تربیت مؤثر و ثمربخش گردد.

نمودار (۱) الگوهای تربیتی مناسب اعتقادی و اخلاقی برای کودک در دوره سیادت

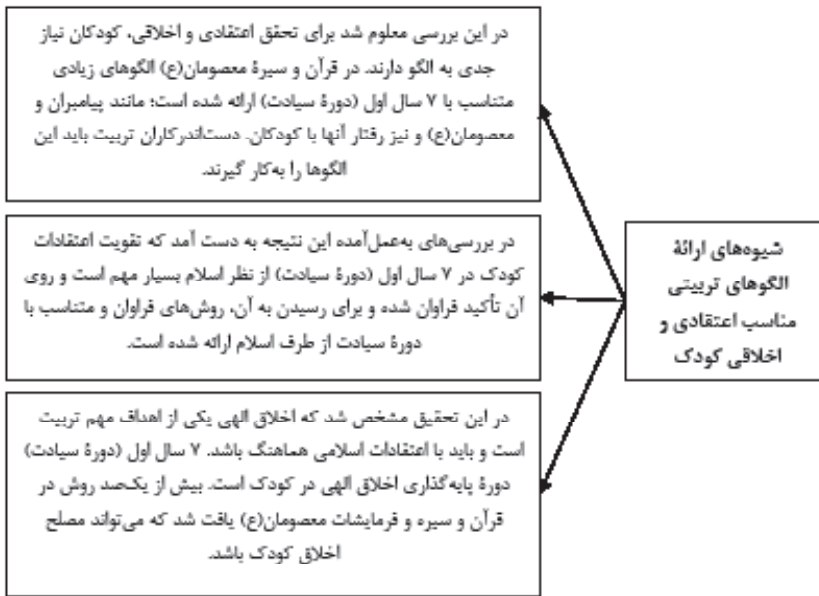


جدول (۱) اهداف غایی و واسطی مبتنی بر الگوهای تربیتی مناسب در دوره سیادت

اهداف واسطی تربیت	هدف غایی تربیت	دوره تربیت
۱. آشنایی با تقلید و انجام آن ۲. سلام دادن ۳. دعوت عملی به جای زبانی ۴. عمل کردن به وعده‌های داده‌شده ۵. ملاحظت و ورزیدن با کودکان ۶. اطاعت کردن از فرمان‌های الهی	هدایت و رشد در حیثه اعتقادی و اخلاقی با الگوگیری	دوره سیادت (هفت سال اول)

جدول (۲) تأکیدات آموزشی و روش‌های مناسب مبتنی بر الگوهای تربیتی در دوره سیادت

تأکیدات آموزشی و روش‌های مناسب	دوره تربیت
۱. آشنایی با تقلید و عمل کردن به آن (روش: مؤدب نشستن کنار سفره - تکرار حرکات نماز در کنار والدین - نوازش کودکان بعد از تقلید رفتارهای خوب) ۲. دانستن ارزش سلام و انجام دادن آن (روش: سلام گفتن بزرگ‌ترها بر کودکان - جواب سلام بر کودکان همراه با محبت و نوازش - تشویق کودکان در زمان سلام دادن) ۳. رسیدن کودک به اینکه باید به امور عمل کرد و آن را عمل کند (روش: نظافت در امور - نظم در امور - مطالعه - عبادات فردی - صدقه - امور فوق توسط بزرگ‌ترها جلو چشم کودکان انجام بگیرد) ۴. درک ارزشمند بودن عمل به وعده و پایبندی به آن، و قبیح بودن خلف وعده (روش: خرید وسایل وعده داده‌شده - بردن کودک به تفریح هنگامی که قول داده شده است - دادن جایزه زمانی که شرط شده است. بزرگ‌ترها عامدانه قول‌های کوچک و قابل اجرا بدهند و سپس انجام دهند). ۵. بهره‌مندی کودک از الطاف و لطیف شدن او (روش: دست محبت بر سر کودک کشیدن - نوازش و بوسیدن - هدیه دادن - در آغوش گرفتن). ۶. کودک یاد بگیرد که دستورات خدا را بی‌چون و چرا انجام دهد (روش: والدین وقت نماز جلو چشم کودک بگویند که نماز دستور خدای مهربان است و تشکر از اوست و بعد به نماز بایستند - صبح‌ها والدین جلو چشم کودک صدقه بدهند و بگویند خدا فرمان داده که صدقه بدهیم؛ و گاهی صدقه را با دست کودک بپردازند).	دوره سیادت (هفت سال اول)



نمودار (۲) شیوه‌های ارائه الگوهای تربیتی مناسب اعتقادی و اخلاقی کودک

پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود تا دست‌اندرکاران تربیت، انسان و هدف تربیت انسان را از دیدگاه اسلام نگریسته و به روش الگویی توجه لازم را نموده و آن‌چنان‌که در قرآن و زندگی ائمه اطهار(ع) بوده است؛ به کار ببرند. از سایر شیوه‌های تربیتی موجود در قرآن و سیره ائمه اطهار(ع) برای تربیت دینی کودکان آگاهی کسب نمایند؛ و همچنین شیوه مذکور را با شیوه‌های موردنظر متخصصان مسلمان و غیرمسلمان و شیوه آموزشی حاکم بر نظام آموزشی کشور مقایسه کنند و نتایج حاصله را ارائه نمایند.

همچنین پیشنهاد می‌شود برای تربیت دینی و رشد و تعالی کودکان، آنها را با زندگی ائمه اطهار(ع) آشنا کنند. در امر تربیت شیوه ائمه اطهار(ع) را الگو قرار دهند و از انواع رسانه‌ها و ابزارهایی مانند تلویزیون، فضای مجازی، فیلم، داستان، پویانمایی، بازی‌ها، نقاشی، اجرای نمایشنامه، انواع مسابقات، اردوهای زیارتی و تفریحی، بهره ببرند.

منابع

۱. قرآن کریم (۱۳۷۹). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. قم: دفتر چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
۲. نهج البلاغه (۱۳۸۰). سید رضی. ترجمه محمد دشتی. قم: امام‌المنتظر.
۳. ابن ابی‌الدنیا، عبدالله بن محمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العیال*. جلد ۱. ریاض: دار ابن قیم.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳). *نخصل*. جلد ۲. قم: جامعه مدرسین. چاپ دوم.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴ق). *لسان‌العرب*. ج ۱. بیروت: دار صادر.
۶. باقری، خسرو (۱۳۸۴). *نگاهی دوباره به تربیت اسلامی*. جلد ۲. تهران: مدرسه.
۷. برناردز، جان (۱۳۹۳). *درآمدی به مطالعات خانوادگی*. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
۸. بهشتی، محمد (۱۳۸۱). «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی». ماهنامه معارف، شماره ۱۰، صص ۱۸-۱۹.
۹. ————— (۱۳۹۵). *آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن*. جلد ۲. تهران: سمت.
۱۰. پاسنو، دایانا (۱۳۸۶). *فمینیسم راه‌یابی راه*. ترجمه محمدرضا مجیدی. قم: دفتر نشر معارف.
۱۱. جمعی از محققان پژوهشکده باقرالعلوم (۱۳۸۹). *نقد فمینیسم از منظر نویسندگان غرب*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم.
۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *وسائل‌الشیعه الی تحصیل مسائل‌الشریعه*. به کوشش محمدرضا حسینی جلالی. جلد ۲۱. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۱۳. حسینی، محمد و مهین چناری (۱۳۹۴). *رویکردهای نوین در تربیت اخلاقی*. جلد ۱. تهران: مدرسه.
۱۴. داودی، محمد (۱۳۸۸). «تأملی در هدف تربیت اعتقادی». *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، دوره ۴، شماره ۹، صص ۴۷-۶۱.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *نعت‌نامه دهخدا*. تهران: روزبه.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۸۳). *مفردات‌الفاظ قرآن کریم*. ترجمه غلامرضا خسروی حسینی. تهران: مرتضوی.
۱۷. روشه، گی (۱۳۷۹). *کنش اجتماعی*. ترجمه همایون‌زنجانی زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۸. سبحانی، جعفر (۱۳۳۳). *فروع‌البدیته*. قم: نشر دانش اسلامی.
۱۹. سیدل، روث و گاردنر، ویلیام (۱۳۸۹). *وای وای اروپا آمریکا*. ترجمه پریسا پورعلمداری و فروغ ذکاوتی و راحله‌سادات میراسلامی. قم: دفتر نشر معارف.

۲۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۲۱ق). *رسائل الشہید الثانی*. به کوشش رضا مختاری. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۱. شیخ بهائی، محمد بن حسین (۱۳۸۹). *الوجیزه فی الدرایه*. قم: بصیرتی.
۲۲. شبلیت، وندی و پاسنو، دایانا و سومرز، کریستیاهاف و هیولت، سیلویا و ویلسون، جیمز (۱۳۹۰). *فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳*. ترجمه معصومه محمدی و سمانه مدنی و پروین قائمی و مسعود اکبریه و زینب فرهمندزاد و فرزانه دوستی. قم: دفتر نشر معارف.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. جلد ۱۶. قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۱). *سنن النبی*. ترجمه حسین استادولی. جلد ۴. تهران: پیام آزادی.
۲۵. عمید، حسن (۱۳۷۵). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر. چاپ ششم.
۲۶. فرمینی فراهانی، محسن (۱۳۸۹). *پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت*. تهران: آبیژ.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۵). *اصول کافی*. ترجمه محمدباقر کمره‌ای. جلد ۱ و ۶. قم: اسوه.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۱۹ق). *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*. به کوشش محمود عمر دمیاطی. جلد ۳. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۳۳۳). *بحار الانوار*. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. تهران: کتابخانه مسجد حضرت ولی عصر.
۳۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). *اخلاق در قرآن*. تحقیق و نگارش محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۱. معین، محمد (۱۳۸۶). *فرهنگ معین*. چاپ سوم، تهران: زرین. چاپ سوم.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. جلد ۱۷. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چاپ دهم.
۳۳. موحدی پارسا، فاطمه و طاهره جاویدی کلاته و بختیار شعبانی ورکی و علی همت بناری (۱۳۹۸). «تربیت اخلاقی کودکان در دوره سیادت از منظر اندیشمندان». *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، سال چهاردهم، شماره ۲۸، صص ۷-۲۸.
۳۴. ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۳۹). *مجموعه ورام*. ترجمه محمدرضا عطایی. جلد ۱. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.